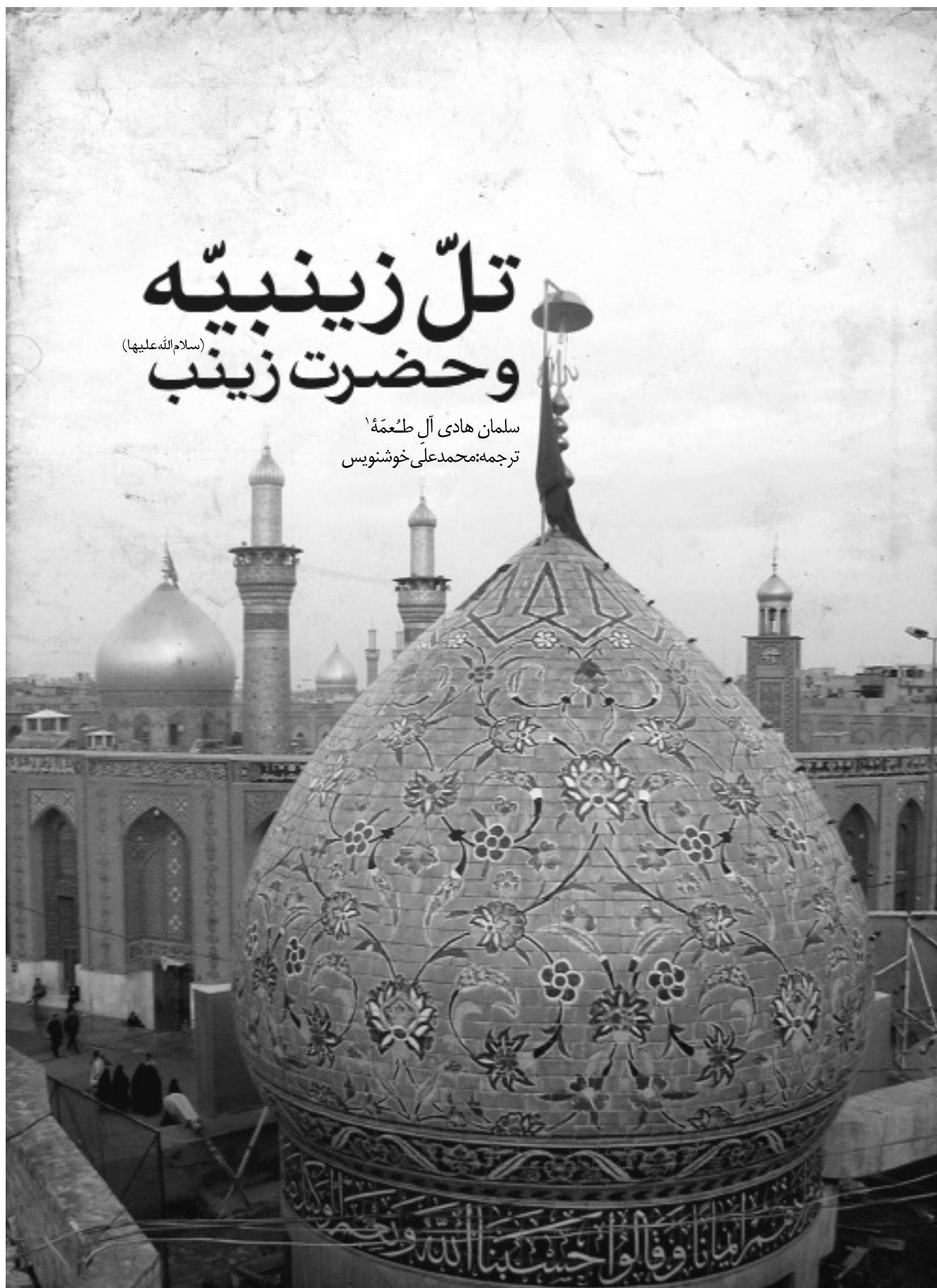


تلّ زینبیّه وحضرت زینب

(سلام اللہ علیہا)

سلمان ہادی آل طُعمہ
ترجمہ: محمد علی خوشنویس



نگاهی به شخصیت حضرت زینب (سلام الله علیها)

دُخت فاضلهٔ امام علی بن ابی طالب (ع)، بانوی جلیل القدر، عقیده الهاشمیین، زینب کبری (س) منزلتی بزرگ و جایگاهی متمایز دارد. او از زمرهٔ زنان عالمه، عابده، زاهده و عقیقه‌ای است که موفق به دیدار چهار تن از امامان علیهم السلام گردید. شخصیت ممتاز او موجب شد تا امام علی (ع) عنایتی فراوان و متفاوت از سایر دخترانش به وی داشته باشد.

یحییای مازنی گوید:

من روزگاری دراز در مدینه و در جوار امیرالمؤمنین زندگی می‌کردم و خانه‌ام نزدیک خانهٔ دخترشان زینب بود؛ ولی به خدا سوگند، نه قد و بالایی از او دیدم و نه صدایی از او شنیدم. هر زمان که می‌خواست به زیارت مزار جدش رسول خدا برود، شب هنگام از خانه خارج می‌شد و این در حالی بود که حسن در جانب راستش و حسین در جانب چپش و امیرالمؤمنین پیشاپیش او حرکت می‌کردند و زمانی که به قبر شریف رسول خدا نزدیک می‌شدند، امیرالمؤمنین جلوتر می‌رفتند و چراغ قندیل‌های آن‌جا را خاموش می‌کردند. یک بار حسن (ع) از علت این کار پرسید و ایشان در پاسخ فرمود: می‌ترسم کسی به قامت خواهرت زینب نگاه کند.

زینب کبری (س) نزد برادران خویش، به‌ویژه امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز مقامی ارجمند داشت. آنان نسبت به وی بسیار رثوف و مهربان بودند و او را بسیار تکریم می‌کردند. برخی روایت کرده‌اند هنگامی که امام حسن (ع) مسموم شد و حالشان منقلب گشت و در تشتی که پیش روی ایشان گذاشته بودند، خون بالا می‌آوردند، همین که شنیدند خواهرشان زینب (س) پس از آگاهی از واقعه، سرآسیمه برای پی‌جویی حالشان آمده‌اند، در همان حال، از سرِ رأفتی که به خواهرشان داشتند، فرمان دادند تا آن تشت را بردارند و پنهان کنند.

نیز هنگامی که او به زیارت برادرش امام حسین (ع) می‌رفت، حضرت از سر تکریم و بزرگداشت، پیش پایش برمی‌خاست و وی را بر جای خویش می‌نشاند و این نشان از مقام والای زینب (س) نزد برادرش امام حسین (ع) است.^۲

زینب کبری (س) بعدها برای ایفای رسالتی عظیم انتخاب شد و با این‌که پیشاپیش به تمام دشواری‌ها و محنت‌های آن آگاهی یافته بود، با صبری زیبا، ایمانی نیرومند و اخلاصی کامل، با آن مصائب و رنج‌ها مواجه شد و با بینایی کامل، رسالت خویش را به انجام رساند. آری، وی در نهضت امام حسین (ع) و مصیبت‌ها و رنج‌هایی که بر ایشان رفت، شرکت جست و از آن پس، پیام‌آور آن نهضت خون‌بار و عظیم تاریخی شد. خطابه‌های شجاعانهٔ او در واقعهٔ عاشورا و نیز در کوفه و شام، فراموش ناشدنی است، این همان حقیقتی بود که رسول خدا (ص) سال‌ها پیش، از آن خبر داده بود و می‌دانست که زینب کبری (س) نزد خداوند مقامی ارجمند خواهد یافت.

تل زینبیه، جایی است بلند در
یک بلندی که بر قتلگاه، مُشرف
بوده است؛ گفته می‌شود که زینب
عقیله، بدان جا آمده، نگران نوادهٔ
پیامبر بوده یا بدان پناه جست.

در حدیثی منسوب به پیامبر اکرم (ص) آمده است که ایشان در ولادت زینب (س) گریست. فاطمه زهرا (س) به ایشان عرض کرد: پدر جان! چرا گریه می کنی؟! خداوند چشمت را گریبان نسازد! رسول خدا (ص) فرمود: «ای فاطمه! بدان که پس از من و تو، باران مصیبت‌ها و شدائد بر سر این دختر خواهد بارید».^۴ به گفته برخی مورخان و سیره‌نویسان، عقیده بنی‌هاشم، زینب کبری (س) در سال ۶۲ هجری و به گفته برخی دیگر، در سال ۶۵ هجری چشم از جهان فرو بست. درباره محل وفات و مدفن آن حضرت سه روایت وجود دارد:

برخی معتقدند ایشان پس از آن که با کاروان اسیران، از شام به مدینه بازگشت، در آنجا وفات یافت و پیکر مطهرش نیز در همان‌جا به خاک سپرده شد. برای نمونه، میرزا عباس قلی خان مستوفی در کتاب خود به نام «الطراز المذهب» تصریح می‌کند که از نظر او، صحیح آن است که جناب زینب (س) پس از بازگشت از شام به مدینه منوره، در همان‌جا از دنیا رفت و در همان‌جا نیز دفن شد. او در ادامه می‌گوید: و نمی‌دانم که چه زمانی وفات یافته است.^۴

برخی دیگر معتقدند که ایشان در سرزمین شام چشم از جهان فرو بست و در همان‌جا نیز به خاک سپرده شد. میرزا عباس قلی خان مستوفی، این دیدگاه را در کتاب خود از کتاب «بحر الأنساب» روایت می‌کند و شیخ جعفر نقدی نیز در کتابش به نام «زینب الکبری» سخن او را چنین بازگو می‌کند: گفته شده که او در یکی از قرای شام وفات یافت. این قول در کتاب «الطراز المذهب» نیز به یکی از متأخرین نسبت داده شده است؛ دیدگاه مزبور اصرار دارد که دلیل بازگشت او به شام و وفاتش در آن‌جا، داستان همان قحطی‌ای است که دامن گیر اهل مدینه گردید و سبب شد که وی با همسر خود عبدالله بن جعفر به شام مهاجرت کند و در همان‌جا نیز بدرود حیات گوید.

این دیدگاه قابل دفاع نیست؛ چرا که از این داستان هیچ اثری در کتب تاریخ، سیره‌ها، انساب و سرگذشتنامه‌ها نیست و موشکافان اخبار اهل بیت علیهم السلام همچون کلینی، صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب، طبرسی، ابن قتال، علامه حلی، ابن طاووس، وزیر اربلی، مجلسی و دیگران، که درباره خاندان رسالت کتاب تألیف کرده‌اند نیز ذکری از آن به میان نیآورده‌اند؛ به ویژه، علامه مجلسی که به گردآوری آثار اهل بیت علیهم السلام از اقصا نقاط جهان اسلام پرداخت و در نتیجه، کتابخانه‌ای مشتمل بر هزاران کتاب منحصر به فرد پدید آورد و بر محتوای آنها اطلاع یافت و در احاطه به سیر و آثار و اخبار اهل بیت رسالت علیهم السلام چهره‌ای بارز گردید.^۵ برخی دیگر چون ابوالحسنین یحیی بن حسن عبیدلی نسابه (متوفای ۲۷۷ هجری) در کتابش به نام «أخبار الزینبیات» می‌گوید:

زینب کبری (س) پس از آن که از اسارت بنی‌امیه به مدینه آمد، شروع به تحریک مردم علیه یزید بن معاویه نمود. عمرو بن سعید أشدق که والی مدینه بود، از ترس آن که زمام امور را از دست بدهد، نامه‌ای به یزید بن معاویه نوشت و او را از این جریان باخبر کرد. یزید نیز در نامه‌ای، به وی فرمان داد که میان زینب (س) و مردم جدایی بیندازد. لذا والی مدینه فرمان داد تا حضرت را از مدینه اخراج کنند و البته او را برای رفتن به هر جای دیگری آزاد گذاشت. حضرت زینب و جمعی از همراهان در آخر ماه ذی‌حجه وارد مصر شدند و مسلمة بن مخلد

انصاری که والی آن سامان بود، به همراه گروهی به استقبال ایشان رفت. وی حضرت را در خانه خویش که در منطقه «حَمْرَاءِ قُصَا» قرار داشت فرود آورد و در همان جا اسکان داد. زینب کبری (س) یازده ماه و پانزده روز در آن جا اقامت داشت و در شب شنبه، پانزدهم رجب سال ۶۲ هجری چشم از جهان فرو بست و پیکر مطهر او در همان اتاق محل سکونتش به خاک سپرده شد.^۶

آن چه این دیدگاه را پذیرفتنی می کند، سخن شیخ جعفر نقدی است. وی در کتابش از ابو عبدالله محمد کوهینی فاسی اندلسی سیاح چین نقل می کند که وی در ۱۴ محرم سال ۳۶۹ هجری، در همان دورهای که ابونصر، نزار بن المَعزُ لَدین الله، ابومیمم معد فاطمی خلافت می کرد، وارد قاهره شد و به زیارت اماکن متبرکه ای رفته که یکی از آنها حرم زینب کبری (س)، دختر علی بن ابی طالب (ع) بوده است.^۷ با تأمل و بررسی تمام این روایات، معلوم می شود دیدگاه اخیر که مبتنی بر روایت یحیی بن حسن عبیدلی است، قدیمی ترین آنهاست. با این حال، آن چه اهمیت دارد این است که بارگاه های نورانی خاندان رسالت، هر چند که در اماکن و انتساب آنها به صاحبانشان اختلاف نظر باشد، پیوسته باقی خواهند ماند تا زیارتگاه تمام عاشقان و شیعیان این خاندان پاک باشند.

تَلِّ زَيْنَبِيَّه

این مقام که بر روی یک بلندی به نام «تَلِّ زَيْنَبِيَّه» قرار گرفته، در سمت جنوب غربی صحن امام حسین (ع) و نزدیک یکی از درهای حرم مطهر، به نام «باب الزَّيْنَبِيَّه» است و فاصله آن تا صحن شریف حسینی ۱۵۰ قدم^۸ (حدود ۳۲ متر) است. گفته می شود که این تل در روز عاشورا، مشرف بر قتلگاه شهیدان بوده و عقیده بنی هاشم زینب کبری (س) از فراز این بلندی، از حال برادرش امام حسین (ع) مطلع می شده و بر وضعیت جنگ و حوادث آن اشراف می یافت؛ به همین سبب، این زیارتگاه تبرکاً به همین نام، یعنی «تَلِّ» نامیده شد.

مرحوم شیخ محمد سماوی در شعری به زبان عربی از این مزار یاد کرده که ترجمه دو بیتش چنین است:

و آن، جایی است بلند در یک بلندی که بر قتلگاه، مشرف بوده است؛ گفته می شود که زینب عقیله، بدان جا آمده، نگران نواده پیامبر بوده یا بدان پناه جست.^۹
خطیب شاعر، شیخ هادی شیخ صالح خفاجی نیز ابیاتی به عربی سروده که ترجمه آن چنین است:
رواست که هر چشمی بگیرد؛ بانوحه ها و ناله ها
برای حسین نواده طه؛ که او جنّ و انس را گریانند
ای زائر نواده مصطفی که هدایتگر بود و امین
تو بر تربت سرزمینی ایستاده ای که حسین را در آن ذبح کردند
در آن بایست و بر حسین گریه کن؛ با فریاد و شیون و آه
مصیبت او کوهها را تکان داد؛ و جنّ و انس را آب کرد
این جا بود که او به روی در افتاد؛ و نچشید آب گوارا را

گرداگرد او خاندانش قربانی شدند؛ هم از زخم خنجر و هم از زخم نیزه این جا بود که افتاد آن کس؛ که محاسنش خونین شد و رگ‌هایش بریده و این جا بود که زینب ندا داد: ای فرزند مادرم! ای حسینی! این قوم بر ما هجوم آوردند؛ که هم بدبخت بودند و هم ملعون! اگر زنده‌ای نجات‌مان بده؛ از سر کشتائی مشرک که آتش زدند خیمه‌ها را و گریانند؛ تمام چشم‌های فرزندان را^{۱۰} همچنین هاشم رضوی در کتاب «راهیان کربلا» می‌گوید:

پس از آن که خیمه‌گاه را زیارت کردیم، با تل زینبیه مواجه شدیم و این تل، یک بلندی است که جناب زینب کبری (ع) بر آن می‌ایستاد و حوادث روز عاشورا را نظاره می‌کرد.^{۱۱}

این مقام عبارت است از پنجره‌ای کوچک و از جنس بُرُنز زرد که بر دیوار خانه‌ای نصب شده است و از سال ۱۳۰۰ هجری قمری در ملکیت مرحوم سیّد عبدالرضا آل طعمه بوده است. بر فراز این پنجره، ابیاتی به زبان فارسی بر روی کاشی نقش بسته و بالای آن، سنگ‌های کاشی بسیار زیبایی است که بر آنها، نقش و نگارهایی با آب طلا نقش گردیده و سپس واقعه عاشورا به تصویر کشیده شده است. این نماد در دهه سوم قرن پیش، ساخته شده و گفته می‌شود که خطیب مرحوم، شیخ محمد واعظ یزدی متوفای سال ۱۳۳۷ قمری نیز متصدی ساخت این مقام بوده است.^{۱۲}

پنجره تل در سال ۱۳۳۹ قمری توسط مرحوم عبدالحسین جعفر تعویض و نوسازی شده است. کاشی کاری آن نیز به دست مرحوم حاج رضا کاشی کار و پس از او، فرزندش عبدالمجید کاشی کار انجام گرفته است. این مقام برای بار دوم در سال ۱۳۹۹ قمری با تلاش مرحوم حاج عباس حاج علی و کیل بازسازی شد. مرحوم حاج عباس، خانه مذکور را از مالکش خرید و ساختمان مقام را تبدیل به بنایی چشم‌گیر به مساحت هشت متر در هشت متر کرد.

سومین و آخرین بازسازی مقام نیز در رجب سال ۱۴۲۰ قمری به پایان رسید. این بازسازی به دست سیّد ناصر سیّد راضی شبر و با نظارت مهندس عبدالمنعم عبدالأمیر کربلائی انجام گرفت. در آخرین نوبت بازسازی، گرداگرد مقام، دیوار کوتاهی مزین به کاشی کربلایی نگارین و دارای کتیبه ساخته شد و بر روی آن نرده‌هایی فلزی نصب گردید و بدین ترتیب بر مساحت مقام افزوده شد؛ به گونه‌ای که اکنون مساحت ورودی مقام به اضافه رواق و کفشداری جمعاً ۷۰ متر مربع و مساحت کلی آن ۱۵۰ متر مربع است.

ورودی این زیارتگاه دری چوبی است که به شکلی بدیع بر روی آن کار شده و اطراف چهارچوب آن، آجرنماست و بالای آن نیز کتیبه‌ای حاوی آیاتی از قرآن به خط ثلث نصب شده است.

زینب کبری (س)
بعد از کربلا، برای ایفای رسالتی عظیم انتخاب شد و با این که پیشاپیش به تمام دشواری‌ها و محنت‌های آن آگاهی یافته بود، با صبوری زیبا، ایمانی نیرومند و اخلاصی کامل، با آن مصائب و رنج‌ها مواجه شد و با بینایی کامل، رسالت خویش را به انجام رساند.

بر بالای این مقام، یک گنبد فیروزه‌ای منتظم و مستحکم قرار گرفته که پوششی سنگی دارد و دیواره‌های آن با کاشی کربلایی مزین شده است. بر بالای جانب راست آن نیز کتیبه‌ای است که در آن، آیاتی از قرآن بر کاشی نقش بسته است. این مقام، زیرزمینی دارد که در نخستین بازسازی ایجاد شده و در بازسازی دوم توسعه یافته است. در پشتی این زیرزمین به اتاقی منتهی می‌گردد که از آن برای نگه‌داری فرش‌ها، چراغ‌ها، هدایا و نذورات زائران استفاده می‌شود.

مؤلف کتاب «راهیان کربلا» در بیان مشاهدات خود از این مقام می‌نویسد:

امروزه بر روی این تل، بقعه‌ای است با گنبدی مجلل که زوآر در آن به اقامه نماز و زیارت و دعا می‌پردازند و ادای تحیت می‌کنند. برای ورود به این مقام باید از ده پله بالا رفت؛ پله‌هایی طولانی به درازای ۱۰ متر و هر یک به ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر. این مکان مقدّس در فاصله ۱۰۰ متری خیمه‌گاه حسینی قرار دارد.^{۱۳}

متولیان پیشین اداره این مقام به قرار زیر بوده‌اند:

ابتدا سید ابوالقاسم حائری یزدی، سپس شیخ صالح کیشوان اسدی و بعد از او فرزندش حاج عبدالأمیر و اکنون نیز فرزند حاج عبد‌الأمیر به نام حاج سعد، اداره این بقعه متبرّکه را بر عهده دارد و کارکنانی از سوی هیئت امنای آستانه مقدّسه حسینی نیز او را یاری می‌کنند.

سنه ۱۴۲۰ قمری که تاریخ سومین و آخرین تجدید بنای این مقام است را شاعر کربلایی، حاج محمد علی حسین خلاق در بیت زیر، به حساب آید، ثبت نموده است:

لَهْفِي عَلِيٍّ أُمُّ الْمَصَائِبِ أَرْخُوا * رَوْضُ الْمَقَامِ بِلَطْفِ زَيْنَبٍ جُدًّا^{۱۴}

پی نوشت ها:

- ۱- متن عربی مقاله از سوی نویسنده در اختیار فصلنامه قرار گرفت که با مختصری تلخیص، ترجمه گردید.
۲. الشیخ جعفر التقدی، زینب الکبری، ص ۲۲.
۳. الشیخ باقر شریف القرشی، السیّده زینب رائده الجهاد، ص ۲۰۰.
۴. السیّد جعفر آل بحر العلوم الطباطبائی، تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم، ج ۱، ص ۲۳۵.
۵. زینب الکبری، ص ۱۲۰.
۶. أبو الحسن یحیی بن الحسن العیّدی، أخبار الزینبیات، ص ص ۱۱۸ - ۱۲۱.
۷. زینب الکبری، ص ۱۲۰ - ۱۲۲.
۸. حسین عماد زاده، تاریخ و جغرافیای کربلای معلّی، ص ۱۷۸.
۹. الشیخ محمد السماوی، مجالی اللطف بأرض الطّف، ص ۵۹.
۱۰. دیوان الشیخ هادی الشیخ صالح الخفاجی، نسخه خطّی.
۱۱. کربلا رفته‌ها، هارون و هومن، ص ۳۸۶، به نقل از کتاب راهیان کربلا.
۱۲. شیخ محمد کلباسی حائری، تاریخ کربلا، ص ۱۴۹.
۱۳. کربلا رفته‌ها، هارون و هومن، ص ۳۸۶، به نقل از کتاب راهیان کربلا.
۱۴. دیوان الشیخ محمد علی الحلاق، نسخه خطّی.